

بررسی تطبیقی زمان افعال فارسی و فرانسه از خلال رمان بیگانه اثر آلبر کامو و ترجمه‌های آن

۱. طاهره خامنه باقری*، ۲. نسرين الهی‌نیا**

۱- استادیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴)

چکیده

پژوهش حاضر که در چارچوب زبان‌شناسی مقابله‌ای صورت گرفته‌است، به بررسی موارد تشابه و اختلاف زمان فعل در دستور زبان فارسی و فرانسه می‌پردازد. برخی از آثار ادبی جهان به علت شهرت و اهمیت، از سوی مترجمان گوناگون ترجمه و منتشر می‌شوند و به چاپ‌های متعدد می‌رسند و این موضوع نیاز به ترجمه صحیح این آثار را بسیار حائز اهمیت می‌کند. یکی از مواردی که نقش بسیار مهمی در انتقال مفهوم دارد، نحوه ترجمه فعل از زبان فرانسه است. فعل در زبان فرانسه برحسب وجه، زمان، حالت، شخص، عدد و جنسیت تغییر می‌یابد. بنابراین، ترجمه صحیح آن نقش مهمی در انتقال مفهوم جمله دارد. در این جستار، ابتدا به بررسی همانندی‌ها و تفاوت‌های زمان افعال در دستور زبان فارسی و فرانسه می‌پردازیم. در ادامه، رمان بیگانه اثر آلبر کامو را با سه ترجمه آن از منظر زمان فعل بررسی می‌کنیم. هدف این پژوهش، مقابله زمان‌های افعال در دو زبان و توجه به نقش مهم آن در کنش ترجمه و انتقال مفهوم صحیح متن مبدأ است.

کلیدواژه‌ها: فعل، زمان افعال، تحلیل مقابله‌ای، زبان فارسی، زبان فرانسه، بیگانه آلبر کامو.

* E-mail: Tkbagheri@um.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: Nasrin.elahinia@mail.um.ac.ir

۱. مقدمه

پژوهش حاضر به مقایسهٔ زمان افعال در دستور زبان فارسی و فرانسه می‌پردازد. توجه به زمان افعال در ترجمه بسیار حائز اهمیت است. فعل به عنوان کلمه‌ای که صرف می‌شود، یعنی بر حسب وجه، زمان، حالت، شخص، عدد و جنسیت تغییر می‌یابد و همواره بخش اصلی گزاره را در جمله تشکیل می‌دهد (Grevisse, 2011: 1159)، نقش مهمی در جمله ایفا می‌کند. ترجمهٔ صحیح افعال در ترجمه، سبب درک کامل‌تر متن می‌شود و ترجمه‌ای منسجم، زیبا و بدون ابهام در فهم متن را سبب می‌شود. هدف اصلی جستار پیش رو پاسخ به دو پرسش زیر است:

– موارد تشابه و اختلاف زمان افعال در دستور زبان فارسی و فرانسه کدام است؟
– نحوهٔ ترجمهٔ زمان افعال در دو زبان فارسی و فرانسهٔ یک کتاب به وسیلهٔ مترجمان متفاوت چگونه صورت گرفته‌است؟

در این پژوهش، ابتدا به بررسی و مقایسهٔ زمان افعال در وجه‌های مختلف زبان‌های فارسی و فرانسه می‌پردازیم تا ابتدا مشخص شود که چه وجه‌ها و زمان‌هایی معادل یکدیگرند و چه زمان‌هایی ویژهٔ یکی از دو زبان است و در زبان دیگر معادل دستوری ندارد. سپس به بررسی ترجمهٔ زمان افعال در سه ترجمه از رمان بیگانه اثر آلبر کامو می‌پردازیم که به قلم خشایار دیهیمی، لیلی گلستان و مهران زنده‌بودی ترجمه شده‌است تا نحوهٔ ترجمهٔ این مترجمان را بررسی نماییم. نوآوری پژوهش حاضر این است که با ترکیب بحث گرامر تطبیقی و نقد ادبی، این امکان فراهم شده‌است که به طور اختصاصی به بررسی ترجمه‌های آثار ادبی از دید زمان افعال بپردازیم.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ بررسی مقابله‌ای دستور زبان فارسی و فرانسه و نیز نقد ترجمه‌های ادبی به صورت مجزا تحقیق‌هایی انجام شده‌است؛ مثلاً هاشمی (۱۳۸۸) قابلیت تطابق زمان‌های وجه اخباری در دو زبان فارسی و فرانسه را به صورت مطالعهٔ افعال با توجه به ارزش زمان و موارد تشابه و تفاوت زمان دستوری بررسی کرده‌است. در این پژوهش، با توجه

به زمان‌های مختلف دو زبان فارسی و فرانسه، شیوه ترجمه زمان‌های وجه اخباری که ویژه یک زبان است و در وجه اخباری زبان دیگر وجود ندارد، ارائه شده است. مقاله «نقدی بر ترجمه نمایشنامه سوء تفاهم» (کمالی، ۱۳۷۱: ۸۱-۹۴) از پژوهش‌هایی است که در زمینه نقد ترجمه صورت گرفته است که در آن، ترجمه جلال آل احمد از ترجمه کتاب سوء تفاهم نقد شده است. در این مقاله، به مواردی از ترجمه پرداخته شده است؛ مانند تحریف، اشکالات و خطاهای سهوی، ترجمه‌های تحت‌اللفظی و نیز عباراتی که در متن اصلی کتاب وجود ندارد، ولی در ترجمه دیده می‌شود. در پژوهشی دیگر، دو ترجمه از کتاب *خدایان تشنه‌اند* بررسی شده است و به مواردی مانند اعمال سلیقه در ترجمه، رعایت زبان محاوره در نقل قول، آوردن توضیحات ضروری در پاورقی و غیره پرداخته شده است (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۷۶: ۶۷-۷۴).

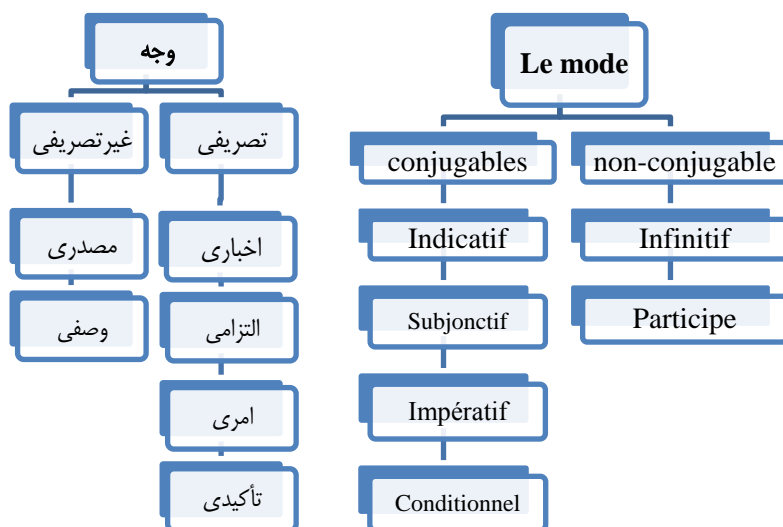
۳. مبانی نظری

جستار حاضر که در چارچوب زبان‌شناسی مقابله‌ای نوشته شده است، عامل زمان را دو زبان فارسی و فرانسه بررسی می‌کند تا موارد مشترک و متفاوت زمان افعال را در دو زبان یادشده مقایسه کند. زبان‌شناسی مقابله‌ای که زیرمجموعه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است، با مقایسه دو یا چند زبان، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را در سطح و بافتی خاص مشخص می‌کند. این زیرشاخه به دو گونه نظری و کاربردی تقسیم می‌شود. گونه نظری آن به بررسی جامعی از تفاوت‌ها و شباهت‌های دو یا چند زبان می‌پردازد و الگویی برای مقایسه آن‌ها ارائه و نشان می‌دهد که کدامیک از عناصر زبانی با یکدیگر قابل مقایسه هستند و این مقایسه‌ها چگونه صورت می‌پذیرد (Willems & Etc., 2003: 3). گونه کاربردی آن بر پایه یافته‌های زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری بنا می‌شود و اطلاعات مورد نیاز برخی رشته‌های علمی، از قبیل آموزش زبان، ترجمه، تحلیل دوزبانگی و غیره را فراهم می‌سازد (Keshavarz, 1994: 2-4). از این رو، هدف نهایی تحلیل مقابله‌ای، ارائه توصیف کامل و جامع از موارد اختلاف میان زبان‌های مورد مقایسه برای دستیابی به نوعی سلسله‌مراتب زبان‌شناختی از تفاوت‌هاست (Ziyā' Husaynī, 1994: 7).

با توجه به چارچوب انتخابی برای انجام این پژوهش، به منظور مقایسه و بررسی متن مبدأ و ترجمه‌های آن به گزینش جمله‌هایی از رمان بیگانه پرداخته‌ایم؛ زیرا مقایسه تمام جمله‌ها و بررسی زمان افعال آن‌ها خارج از حوصله مقاله است. به همین منظور، جمله‌هایی را انتخاب کردیم که نشان‌دهنده زمان‌های مختلف فعل باشند تا بتوانیم علاوه بر تشریح ارزش‌های فعل، به نحوه کاربرد آن در زبان مبدأ و زبان مقصد نیز اشاره نماییم. سپس به بررسی ترجمه‌ها پرداخته، وجوه اختلاف و اشتراک زمان‌ها در دو زبان را تعیین می‌کنیم.

۴. زمان افعال در فرانسه و فارسی

به شیوه کارکرد فعل، وجه (Mode) می‌گویند. وجه، نشان‌دهنده میزان قاطعیت گوینده در باب اجرای گزاره، به‌ویژه فعل است. زبان فرانسه شش وجه دارد که به دو بخش تصریفی یا شخصی (Conjugables ou personnel) و غیر تصریفی یا بی‌شخص (Non-conjugable ou impersonnel) تقسیم می‌شوند. فعل در وجه تصریفی یا شخصی برحسب صیغه‌های شخصی تغییر می‌کند و محل قرارگیری آن همیشه در قسمت گزاره است. در وجه غیر تصریفی یا بی‌شخص، فعل برحسب شخص دستوری تغییر نمی‌کند و هسته گزاره را تشکیل نمی‌دهد، بلکه کارکرد یا نقش دیگری در جمله دارد (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۳: ۵).



جدول ۲: انواع وجه در زبان فرانسه

جدول ۱: انواع وجه در زبان فارسی

چنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، وجه تصریفی شامل وجه اخباری (Indicatif)، التزامی (Subjonctif)، وجه امری (Impératif) و وجه شرطی (Conditionnel) است. وجه غیر تصریفی نیز شامل دو نوع وجه مصدری (Infinitif) و وجه وصفی (Participe) می‌باشد.

زبان فارسی دو وجه تصریفی و غیر تصریفی دارد. وجوه تصریفی چنان که در شکل ۱ نشان داده شده‌است، عبارتند از وجوه اخباری، التزامی، امری و تأکیدی. وجوه غیرتصریفی نیز عبارتند از: وجه مصدری و وجه وصفی (ر.ک؛ فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۷۵).

۱-۴. زمان‌های فعل

زمان‌های فعل در فرانسه سه شکل ساده، مرکب و پیشین است. در جدول ۳ این زمان‌ها برحسب وجوه مختلف نشان داده شده‌است.

Le mode	les temps simples	les temps composés	les temps surcomposés
Indicatif	Présent, Imparfait, Future simple, passé simple	Passé compose, Plus-que-parfait, Passé antérieur, Futur antérieur	Passé compose, Plus-que-parfait, Passé antérieur, Futur antérieur
Subjonctif	Présent, Imparfait	Passé, Plus-que-parfait	Passé, Plus-que-parfait
Impératif	Présent	Passé	Passé
Conditionnel	Conditionnel présent	Conditionnel passé	Conditionnel passé
Infinitif	Présent	Passé	Passé
Participe	Présent	Passé	Passé
Gérondif	Présent	Passé	Passé

جدول ۳: انواع زمان در زبان فرانسه

زمان‌های ساده (les temps simples) شامل زمان‌هایی می‌شود که فعل از یک ماده حاصل شده باشد و با پایانه‌های فعلی مشخص می‌شود و هنگام صرف، به فعل کمکی نیاز ندارد. زمان‌های مرکب (les temps composés) به زمان‌هایی اطلاق می‌شود که از ترکیب فعل کمکی و اسم مفعول حاصل می‌شوند. زمان‌های مرکب در حالت کارگزار (معلوم) غالباً با فعل کمکی avoir و یا گاهی être و در حالت کارپذیر (مجهول)، همیشه با فعل کمکی être صرف می‌شوند.

زمان‌های مرکب پیشین (les temps surcomposés) شامل زمان‌های مرکبی هستند که فعل کمکی آن‌ها خود به صورت مرکب صرف می‌شود و اسم مفعول فعل مورد نظر پس از اسم مفعول فعل کمکی قرار می‌گیرد. تعداد زمان‌های مرکب پیشین تقریباً به تعداد زمان‌های مرکب است (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۳: ۶).

۲-۴. وجه‌های تصریفی (Conjugables)

۱-۲-۴. وجه اخباری (L'indicatif)

این وجه که برای بیان جمله‌های خبری و قضایای عینی به کار می‌رود، در زبان فرانسه پنج زمان ساده و پنج زمان مرکب دارد (ر.ک؛ شکل ۳). در زبان فارسی، این وجه چهار زمان ساده اصلی و حداقل دو زمان مرکب اصلی دارد. از جمله تفاوت‌های این وجه در دو زبان فارسی و فرانسه، وجود زمان‌های فرعی گذشته نقلی استمراری و گذشته بعید نقلی در زبان فارسی است. این دو زمان با گذشته استمراری و گذشته بعید در فرانسه به عنوان معادل انتخاب می‌شوند. همچنین، دو زمان ماضی مقدم، آینده مقدم در زبان فرانسه معادل دقیقی در فارسی ندارند و با زمان‌های ماضی ساده و ماضی التزامی جایگزین می‌شوند.

وجه اخباری (Indicatif)		
les temps simples زمان ساده	les temps composés زمان مرکب	les temps surcomposés زمان مرکب فرعی
Présent حال	Passé compose گذشته نقلی	گذشته نقلی استمراری
Imparfait گذشته استمراری	Plus-que-parfait گذشته بعید	گذشته بعید نقلی
passé simple گذشته ساده	Passé antérieur گذشته مقدم	
Future simple آینده ساده	Futur antérieur آینده مقدم	

جدول ۴: زمان‌های وجه اخباری (Indicatif)

تقریباً تمام زمان‌های وجه اخباری (Indicatif) ارزش‌های نمودی (Valeurs d'aspect)، ارزش‌های زمانی (Valeurs temporelle) و ارزش‌های وجهی (Valeurs modales) هستند و بیشتر ارزش‌های زمان حال اخباری در زبان فارسی و فرانسه یکسان است. چنان‌که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، وجه اخباری هم در زبان فارسی و هم در زبان فرانسه هشت زمان دارد.

۲-۲-۴. وجه التزامی (Le subjonctif)

وجه التزامی در زبان فارسی و subjonctif در زبان فرانسه، پس از افعالی که بیان‌کننده قضایای ذهنی نظیر احساسات، آرزو، خواسته، شک و تردید و مانند آن‌ها باشند و یا بعد از حروف ربط که دلالت هدف، شرط و تباین دارند، به کار می‌رود. این وجه در زبان فرانسه دو زمان ساده (حال و گذشته استمراری) و دو زمان مرکب (گذشته و گذشته بعید)، و در زبان فارسی فقط شامل دو زمان حال و گذشته دارد.

موارد وجه التزامی در زبان فارسی تقریباً مشابه زبان فرانسه است. این وجه در زبان فارسی فقط شامل زمان حال و گذشته می‌باشد. زمان‌های وجه التزامی در هر دو زبان فارسی و فرانسه مستقلاً ارزش زمانی ندارند و ارزش زمانی آن‌ها از طریق زمان فعل همراه در جمله پایه که معمولاً در وجه اخباری است، مشخص می‌شود. زمان حال التزامی فارسی را می‌توان معادل دو زمان ساده حال التزامی و ماضی استمراری فرانسه و گذشته التزامی فارسی را معادل دو زمان مرکب ماضی التزامی و ماضی بعید التزامی فرانسه دانست (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

۳-۲-۴. وجه امری (L'impératif)

در این وجه، عمل فعل به صورت دستور، تشویق یا ترغیب، درخواست، توصیه یا خواهش و مانند آن ادا می‌شود. در زبان فرانسه، این وجه یک زمان ساده و یک زمان مرکب دارد، در حالی که در زبان فارسی فقط زمان حال دارد.

۴-۲-۴. وجه شرطی (Le conditionnel)

این وجه دو زمان حال (Présent) و گذشته (Passé) دارد. زمان شرطی حال از یک سو با آینده ساده وجه مشترک دارد؛ زیرا در ساختار آن‌ها ریشه واحدی به کار رفته است و از سوی دیگر، با زمان گذشته استمراری وجه مشترک پیدا می‌کند؛ زیرا پایانه‌های زمان شرطی و پایانه‌های گذشته استمراری که تداعی‌کننده زمان گذشته است، یکسان هستند. بر این اساس، زمان «شرطی حال» را باید در اصل زمان آینده در گذشته نامید (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). ارزش‌هایی که زمان شرطی گذشته در بیان قضایای گذشته دارد،

تقریباً مانند ارزش‌هایی است که زمان شرطی حال در بیان قضایای حال یا آینده دارد. تنها تفاوت در ارزش نمودی آن است؛ یعنی امکان وقوع آن می‌رفته، ولی تحقق نیافته است (ر.ک؛ همان: ۱۵۶).

بیان شرط در زبان فارسی مانند فرانسه به صورت ساختاری نیست. اما در مواردی که مفهوم فعل در زبان فارسی متضمن یکی از ارزش‌های وجهی زمان‌های شرطی باشد، می‌توان زمان‌های شرطی فرانسه را برای آن فعل فارسی استفاده کرد. همچنین، برخی کلمات و عبارات که در جمله‌های فارسی اشاره به احتمال یا قطعی نبودن قضایا دارند (مانند «گویا»، «انگار»، «به نظر می‌رسد» و...) می‌توانند تداعی‌کننده زمان حال شرطی در زبان فرانسه باشند. معمولاً در جمله‌های شرطی حال و آینده، می‌توان زمان حال شرطی فرانسه را با زمان حال اخباری فارسی و در جمله‌های شرطی گذشته، ماضی شرطی فرانسه را با ماضی استمراری فارسی و یا به‌ندرت ماضی بعید هم‌تراز دانست (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

۳-۴. وجه‌های غیرتصریفی (Non-conjugable)

۱-۳-۴. وجه مصدری (Infinitif)

وجه مصدری بدون آنکه صیغه یا مفرد و جمع بودن را مشخص کند، تنها بیانگر عمل است. مصدر علاوه بر آنکه به صورت فعل به کار می‌رود، نقش‌های اسم را هم ایفا می‌کند. این وجه در زبان فرانسه یک زمان ساده (حال) و یک زمان مرکب (گذشته) دارد. وجه مصدری علاوه بر ایفای نقش‌های اسم، بیشتر به عنوان گزاره (Prédicat) در جمله‌های پیرو پرسشی، موصولی یا مصدری می‌آید.

در زبان فارسی، وجه مصدری فعلی است که به صورت مصدر درآمده باشد؛ مانند: «رفت» در «باید رفت». وجه مصدری امروزه بیشتر مصدر کوتاه است که در حکم فاعل یا متمم افعال وجه‌ساز است؛ یعنی افعالی مانند: باید، می‌توان، می‌شود، گرفتن و شروع کردن؛ به عنوان مثال: «نمی‌توان گفت» و «شروع کرد به گریه کردن» (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۲۰۹۶).

۴-۳-۲. وجه وصفی (Participe)

وجه وصفی در زبان فرانسه حدّ فاصل میان فعل و صفت است؛ یعنی گاهی ماهیت فعلی و گاهی ماهیت صفتی دارد. این وجه اسم فاعل (Participe présent) و اسم مفعول (Participe passé) دارد. گاهی برای زیبایی کلام از ترکیب موصولی (qui+verbe) استفاده می‌شود (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

در زبان فارسی، وجه وصفی یا فعل جانشین، صفت مفعولی است که نقش فعل را بازی می‌کند و با فعلی دیگر که غالباً بعد از آن می‌آید، هم‌نشین می‌گردد؛ مثال: او «به خانه رفته، غذا خورد». در این مثال، «رفته» صفت مفعولی و فعل وصفی است و «غذا خورد» فعل هم‌نشین آن است که فاعل آن با فاعل «رفته» یکی است (ر.ک؛ فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۲۹۶).

در زبان فارسی، دو مقولۀ صفت فاعلی و صفت مفعولی مطرح است. اما همیشه نمی‌توان اسم فاعل و اسم مفعول فرانسه را با یک کلمۀ فارسی معادل جایگزین ساخت و لازم است گاهی مفهوم آن‌ها را در قالب یک فعل صرف‌شده یا یک عبارت قیدی بیان کرد.

Gérondif در زبان فرانسه دلالت بر چگونگی وقوع فعل دارد و در واقع، ارزش یک قید را دارد. برای تمایز میان کاربرد Gérondif و صفت فاعلی، می‌توان آن را از جمله حذف و با کلمۀ Comment درباره آن سؤال کرد. در زبان فارسی، وجهی موسوم به Gérondif وجود ندارد، ولی می‌توان این وجه را به کمک یک عبارت قیدی یا ترکیبی از چند کلمه به صورت جمله پیرو قیدی به فارسی ترجمه کرد.

بنا بر آنچه در باب زمان فعل در زبان‌های فارسی و فرانسه گفته شد، در ادامه به بررسی فعل در سه ترجمه از کتاب بیگانه آلبر کامو می‌پردازیم.

۵. بررسی رمان بیگانه از خلال ترجمه زمان‌های فعل

□ Je prendrai l'autobus à deux heures et j'arriverai dans l'après-midi (Camus, 1950: 9).

○ «اگر سوار اتوبوس ساعت دو بشوم، عصر می‌رسم» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۵).

- «ساعت دو اتوبوس سوار می‌شوم و عصر می‌رسم» (گلستان، ۱۳۹۵: ۶۱).
- «ساعت دو سوار اتوبوس می‌شوم و بعد از ظهر خواهیم رسید» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱).
- در جمله فرانسوی، هر دو فعل جمله به زمان آینده ساده می‌باشد که نمایانگر قضیه‌ای است که نسبت به زمان حال در آینده به وقوع می‌پیوندد. یکی از ارزش‌های وجهی این زمان، بیان احتمال است، چون وقوع قضایا در آینده، فرضی و غیرحتمی است. زمان آینده ساده می‌تواند احتمال وقوع قضایا را در زمان حال یا آینده نشان دهد (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۳: ۱۴۶). زمان آینده ساده در زبان فارسی اشاره به عملی غیرقطعی در آینده دارد و بیشتر در زبان نوشتاری مشاهده می‌شود. از این رو، چنان‌که مشاهده می‌شود، در ترجمه اول، آینده ساده در وجه التزامی و حال اخباری ترجمه شده است. در ترجمه دوم، هر دو در زمان حال اخباری و در ترجمه آخر در زمان حال اخباری و آینده ساده ترجمه شده است.
- J'ai mangé au restaurant, chez Céleste, comme d'habitude (Camus, 1950: 9).
- «مثل معمول در رستوران نهار خوردم؛ رستوران سلسنت» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۶).
- «در رستوران غذا خورده بودم؛ مثل همیشه در رستوران سلسنت» (گلستان، ۱۳۹۵: ۶۲).
- «طبق معمول در رستوران سلسنت نهار خوردم» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱).
- ماضی نقلی بیان‌کننده قضیه‌ای تحقق‌یافته در لحظه سخن گفتن است. یکی از موارد اختلاف در زبان فارسی و فرانسه استفاده از ماضی نقلی و ماضی ساده می‌باشد. کاربرد زمان ماضی نقلی در فارسی نسبت به زمان مشابه در فرانسه بسیار کمتر است و فارسی‌زبانان معمولاً ترجیح می‌دهند به جای آن از ماضی ساده استفاده کنند. در ترجمه دوم، زمان ماضی نقلی به صورت ماضی بعید، و در دو مورد دیگر، به صورت ماضی ساده ترجمه شده است.
- Au bout de quelques mois, elle aurait pleuré si on l'avait retirée de l'asile (Camus, 1950: 10).
- «چند ماه بعد، اگر از خانه سالمندان می‌آوردمش بیرون، گریه می‌کرد» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۷).

○ «بعد از چند ماه، اگر می‌خواستند از آسایشگاه بیرونش ببرند، حتماً گریه می‌کرد» (گلستان، ۱۳۹۵: ۶۳).

○ «چند ماه بعد، اگر می‌خواستند او را از خانه سالمندان خارج کنند، احتمالاً باز هم می‌گریست» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۳).

یکی از ارزش‌های وجهی شرطی گذشته، بیان عدم تحقق در گذشته است. چون این دو زمان در زبان فارسی وجود ندارد، پس برای ترجمه این گونه جمله‌ها از کلماتی استفاده می‌شود که اشاره به احتمال دارند. در ترجمه دوم، از «حتماً» که قطعیت را می‌رساند، استفاده شده است و در ترجمه آخر این جمله شرطی، کلمه «احتمالاً» برای بیان عدم قطعیت به کار رفته است.

□ *D'avoir fermé les yeux, la pièce m'a paru encore plus éclatante de blancheur* (Camus, 1950: 13).

○ «چون چشم‌هایم را بسته بودم، حالا سفیدی اتاق به چشمم حتی روشن‌تر از قبل می‌آمد» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۱۱).

○ «چون چشم‌هایم بسته بود، به نظرم رسید اطاق درخشان‌تر است» (گلستان، ۱۳۹۵: ۶۷).

○ «چشم‌هایم را که گشودم، به خاطر اینکه مدتی بسته بودند، نور اتاق را شدیدتر و زنده‌تر یافتم» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۷).

زمان گذشته وجه مصدری برای بیان قضیه‌ای در گذشته یا مقدم نسبت به قضیه‌ای دیگر به کار می‌رود و بر تحقق عمل فعل اشاره دارد. به دلیل اختلاف این وجه با وجه مصدری در فارسی، نحوه ترجمه آن حائز اهمیت است. چنان‌که در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود، از کلماتی مانند «چون» و «به خاطر اینکه» استفاده شده است تا مفهوم این وجه را به خواننده فارسی‌زبان برسانند. فعل *a paru* که در زمان گذشته نقلی است، در جمله اول به صورت گذشته استمراری و در جمله دوم و سوم به صورت ماضی ساده ترجمه شده است.

□ *Il me semblait que le convoi marchait un peu plus vite* (Camus, 1950: 18).

○ «به نظرم آمد حرکت مرکب تشییع تندتر شده است» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۱۹).

- «به نظرم رسید درشکه کمی تند می‌رود» (گلستان، ۱۳۹۵: ۷۳).
- «به نظرم رسید که نعش کش و گروه همراه به خود شتاب گرفت» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱۴).

ماضی استمراری بیان‌کننده قضیه‌ای ناتمام است که در گذشته تداوم و استمرار داشته‌است. از ارزش‌های نمودی این زمان بیان حالت یا توصیف می‌باشد. فعل *me semblait* در سه ترجمه به صورت ماضی ساده ترجمه شده‌است و *marchait* در ترجمه اول به صورت ماضی استمراری، در ترجمه دوم در زمان حال اخباری، و در ترجمه سوم به صورت ماضی ساده ترجمه شده‌است.

□ *En me réveillant, j'ai compris pourquoi mon patron avait l'air mécontent quand je lui ai demandé mes deux jours de congé: c'est aujourd'hui samedi* (Camus, 1950: 20).

- «بیدار که می‌شدم یک‌دفعه به ذهنم آمد که چرا رئیس‌م، وقتی تقاضای دو روز مرخصی کرده بودم، آن قدر بدخلق شده بود: امروز شنبه است» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۱۹).
- «وقتی بیدار شدم، فهمیدم چرا وقتی دو روز مرخصی را از رئیس‌م خواستم، قیافه‌اش درهم رفت: امروز شنبه است» (گلستان، ۱۳۹۵: ۷۶).
- «بیدار که شدم، دریافتم که چرا رئیس‌م هنگامی که دو روز مرخصی از او خواستم، چهره‌ای درهم‌کشیده داشت: امروز شنبه است» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱۶).

شروع جمله با ژروندیف یا قید فاعلی است. ژروندیف بیان‌کننده قضیه‌ای است که در لحظه سخن گفتن در حال وقوع است و هنوز خاتمه نیافته‌است. از موارد استفاده ژروندیف بیان علت و تباین است. به دلیل اینکه ژروندیف در زبان فارسی وجود ندارد، برای ترجمه آن می‌توان از عبارت قیدی یا ترکیبی از چند کلمه به صورت جمله پیرو قیدی به فارسی ترجمه کرد. در ترجمه‌های انجام‌شده مشاهده می‌شود که در ترجمه اول، برای ترجمه ژروندیف به فارسی از «که» و ماضی استمراری، در ترجمه دوم، از «وقتی» و ماضی ساده، و در ترجمه سوم، از «که» و ماضی ساده به کار برده شده‌است.

□ *Je suis resté longtemps à regarder le ciel* (Camus, 1950: 23).

- «مدتی طولانی همان جا نشستم و آسمان را تماشا کردم» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۲۵).
- «مدتی به تماشای آسمان ماندم» (گلستان، ۱۳۹۵: ۸۰).

- «_____ ترجمه نشده است _____» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱۹).
- زمان مصدری فاقد ارزش زمانی است و فقط دلالت بر هم‌زمانی یا تأخر زمانی نسبت به فعل صرف‌شده همراه خود دارد. در ترجمه اول، regarder به صورت فعل مرکب در زمان ماضی ساده و در ترجمه دوم به صورت اسم ترجمه شده است.
- Il m'a demandé si je n'étais pas trop fatigué et il a voulu savoir aussi l'âge de maman (Camus, 1950: 25).
- «پرسید خیلی خسته نیستم و پرسید ماما چند سالش بود» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۲۹).
- «از من پرسید زیاد خسته نشده‌ام و می‌خواست بداند مادرم چند سالش بود» (گلستان، ۱۳۹۵: ۸۲).
- «پرسید که خیلی خسته نیستم. همچنین، می‌خواست سن ماما را بداند» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۲۲).
- در این جمله، ماضی نقلی در زبان فرانسه به صورت ماضی ساده ترجمه شده است. همان گونه که گفتیم، فارسی‌زبانان تمایل به استفاده از زبان ماضی ساده به جای ماضی نقلی دارند. ماضی استمراری (étais) در دو ترجمه به صورت ماضی ساده و در یک ترجمه به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است و فعل مصدری savoir در دو ترجمه، به صیغه ماضی ساده ترجمه شده است.
- En montant, dans l'escalier noir, j'ai heurté le vieux Salamano, mon voisin de palier (Camus, 1950: 26).
- «از پله‌های تاریک که بالا می‌رفتم، برخوردم به سالامانوی پیر، همسایه روبه‌روی در همان طبقه من» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۳۰).
- «وقتی از پلکان تاریک بالا می‌رفتم، سالامانوی پیر را دیدم، همسایه هم‌طبقه‌ام...» (گلستان، ۱۳۹۵: ۸۳).
- «پلکان را که بالا می‌آمدم، به سالامانوی پیر، همسایه هم‌طبقه‌ام، برخورد کردم» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۲۳).
- در ترجمه‌های این جمله فرانسوی، مترجمان «ژروندیف» یا قید فاعلی را با استفاده از کلماتی مانند «که» و «وقتی» برای بیان تباین ترجمه کرده‌اند. ماضی نقلی نیز در هر سه ترجمه به صورت ماضی ساده به کار برده شده است.

□ J'ai voulu raccrocher tout de suite parce que je sais que le patron n'aime pas qu'on nous téléphone de la ville (Camus, 1950: 37).

○ «دلم می‌خواست فوراً گوشی را بگذارم، چون می‌دانم که رئیس دوست ندارد کسی از شهر به ما تلفن کند» (دیپهیمی، ۱۳۹۵: ۴۵).

○ «می‌خواستم فوراً تلفن را قطع کنم، چون رئیس دوست نداشت از شهر با من حرف بزنند» (گلستان، ۱۳۹۵: ۸۳).

○ «بعدش خواستم فوراً گوشی را بگذارم، چون رئیس دوست ندارد که از بیرون با ما تماس بگیرند» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۳۷).

فعل aime در وجه حال اخباری در ترجمه دوم به صورت گذشته ساده و در دو ترجمه دیگر، در زمان حال اخباری ترجمه شده است. موارد کاربرد وجه اخباری در زبان فارسی و فرانسه تقریباً یکسان است. این وجه در فارسی چهار زمان ساده (حال، گذشته استمراری، گذشته ساده و آینده) و دو زمان مرکب اصلی (گذشته نقلی و گذشته بعید) است. دو زمان گذشته ویژه زبان فارسی، گذشته نقلی استمراری و گذشته بعید نقلی می‌باشند که معادلی در زبان فرانسه ندارند و برای ترجمه آن‌ها به ترتیب از زمان‌های Imparfait و Plus-que-parfait استفاده می‌شود. دو زمان گذشته مقدم و آینده مقدم در فرانسه معادل دقیقی در فارسی ندارد و با زمان‌های گذشته ساده یا زمان حال التزامی جایگزین می‌شود.

□ Le dimanche, j'ai eu de la peine à me réveiller et il a fallu que Marie m'appelle et me secoue (Camus, 1950: 42).

○ «یکشنبه، سختم بود بلند شوم. ماری ناچار شد چند بار صدایم کند و تکانم دهد» (دیپهیمی، ۱۳۹۵: ۵۱).

○ «یکشنبه سختم بود بیدار شوم و باید ماری مرا تکان می‌داد و صدا می‌زد» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

○ «یکشنبه بیدار شدن برایم دشوار بود و این ماری بود که مرا تکان داد و صدا زد تا اینکه بیدار شدم» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۴۴).

زمان حال التزامی علاوه بر زمان حال، برای بیان همزمانی یا تأخر قضیه‌ای در زمان گذشته، حال یا آینده به کار می‌رود. ارزش زمانی حال التزامی به زمان فعل جمله اصلی

بستگی دارد. موارد کاربرد این وجه در فارسی تقریباً همانند فرانسه است. در ترجمه اول و سوم از زمان گذشته ساده و در جمله دوم، از گذشته استمراری برای ترجمه استفاده شده است.

□ Il sifflait en descendant et il avait l'air très content (Camus, 1950: 44).

○ «از پله‌ها که پایین می‌آمد، سوت می‌زد و حالش خیلی خوش بود...» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۵۲).

○ «سوت می‌زد و پایین می‌آمد و به نظر می‌رسید بسیار خوش است» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

○ «همین طور که از پله‌ها پایین می‌آمد، سوت نیز می‌زد» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۴۴).

چنان که در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود، مترجمان برای ترجمه ژروندیف که در زبان فارسی وجود ندارد و در رده وجه‌های غیرتصریفی قرار می‌گیرد، از فعل‌های تصریفی استفاده کرده‌اند و برای ترجمه en descendant جمله‌های مستقل به کار برده‌اند.

□ J'ai pensé que je n'avais qu'un demi-tour à faire et ce serait fini (Camus, 1950: 50).

○ «از فکرم گذشت که کافی است برگردم و همه چیز تمام شود» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۶۲).

○ «فکر کردم باید نیم‌دوری بزنم و بعد تمام می‌شد» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

○ «به خودم گفتم: کافی است برگردم و همه چیز پایان یافته تلقی خواهد گشت» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۵۴).

ارزش زمانی serait fini، شرطی حال است که از ریشه زمان آینده و پایانه‌های گذشته استمراری ساخته می‌شود. از این رو، باید آن را به نوعی زمان آینده در گذشته دانست (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). بیان احتمال وقوع قضیه‌ای تأیید نشده در زمان حال از جمله ارزش‌های وجهی این زمان است. زمان‌های شرطی (حال و گذشته) در زبان فارسی وجود ندارند. همان گونه که در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود، معادل فارسی این وجه به صورت حال التزامی و آینده ترجمه شده است که معادل‌های مناسبی می‌باشد و در ترجمه دوم، گذشته استمراری به کار برده شده است.

□ Après avoir demandé au jury et à mon avocat s'ils avaient des questions à poser, le président a entendu le concierge (Camus, 1950: 73).

- «بعد از اینکه از هیئت منصفه و وکیل من پرسیده شد که آیا سؤالی از شاهد دارند، رئیس شهادت نگهبان را شنید» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۹۳).
- «پس از پرسش هیأت منصفه و وکیل در مورد اینکه آیا سؤالی ندارند، رئیس دادگاه شهادت سرایدار را گوش کرد» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۴۲).
- «رئیس دادگاه پس از آنکه از اعضای هیأت منصفه و از وکیل پرسید که آیا سؤالی برای پرسیدن دارند یا نه، شهادت دربان را شنید» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۸۲).
- در زبان فرانسه، زمان گذشته وجه مصدری بیانگر تقدم و فاقد ارزش زمانی است و بر عملی دلالت می‌کند که پیش از زمانی معین یا پیش از عملی دیگر انجام یافته‌است. این زمان تقدم عملی را نسبت به عمل دیگر در زمان حال، گذشته و آینده نشان می‌دهد. وجه مصدری در زبان فارسی و فرانسه متفاوت است و برای ترجمه این وجه به فارسی برحسب اینکه مقدم بر زمان حال، آینده و گذشته باشد، از ماضی نقلی و ماضی بعید استفاده می‌شود. در ترجمه اول، معادلی که مترجم برای «avoir demandé» به‌کار برده‌است، «پرسیده شد» می‌باشد و در ترجمه دوم، به صورت اسم «پرسش» و در جمله سوم، ماضی ساده به‌کار رفته‌است.
- À ce moment, à ce moment seulement, j'avais pour ainsi dire le droit, je me donnais en quelque sorte la permission d'aborder la deuxième hypothèse: j'étais gracié (Camus, 1950: 91).
- «به اینجا که می‌رسیدم و فقط بعد از رسیدن به اینجا بود که حق داشتم، یا بهتر بگویم، به خودم اجازه می‌دادم که فرضیه بدیل را هم بررسی کنم: عفو شوم» (دیهیمی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).
- «در این لحظه، فقط در این لحظه، می‌توانم بگویم به نوعی حق با من بود. به خودم یک‌جوری این اجازه را می‌دادم که به دومین فرضیه برسم: بخشوده شده بودم» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۶۴).
- «در اینجا بود، بله، دقیقاً در همین جا که حق داشتم و به خودم اجازه می‌دادم که به فرضیه دوم بپردازم، و آن مشمول عفو شدنم بود» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

زمان گذشته استمراری بیان‌کننده عملی ناتمام می‌باشد که در گذشته تداوم داشته‌است و آغاز و پایان آن مشخص نیست. بیشتر ارزش‌های زمان گذشته استمراری در دو زبان فارسی و فرانسه یکسان است. فعل گذشته استمراری *donnais* از سوی سه مترجم به صورت گذشته استمراری ترجمه شده‌است و فعل دیگر در همین زمان، *étais*، از سوی مترجم اول به زمان گذشته ساده، مترجم دوم گذشته بعید و مترجم سوم از تکنیک اضافه استفاده کرده‌است و ماضی ساده به کار برده‌است.

□ Pour que tout soit consommé, pour que je me sente moins seul, il me restait à souhaiter qu'il y ait beaucoup de spectateurs le jour de mon exécution et qu'ils m'accueillent avec des cris de haine (Camus, 1950: 97).

○ «برای کامل شدن همه چیز، برای آنکه احساس تنهایی نکنم، فقط یک آرزو داشتم بکنم که در روز اعدام من، تماشاچی‌ها زیاد باشند و با فریادهای سراپا نفرت از من استقبال کنند» (دیپیمی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

○ «برای اینکه همه چیز کامل شود، برای اینکه کمتر خودم را تنها حس کنم، برایم می‌ماند تا آرزو کنم تماشاگران بسیاری در روز اعدام حضور داشته باشند و با فریادهایی از نفرت به پیشواز من بیایند» (گلستان، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

○ «برای اینکه همه چیز خاتمه یابد، برای اینکه احساس تنهایی کمتری کنم، تنها کار باقی‌مانده این بود که آرزو کنم که به هنگام اعدام تماشاچیان فراوانی بیایند و با فریادهایی آکنده از نفرت به من خوشامد بگویند» (زنده‌بودی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

زمان حال التزامی عملی را نشان می‌دهد که در لحظه سخن گفتن هنوز به وقوع نپیوسته‌است، ولی انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک یا دور انجام شود. زمان گذشته التزامی برای بیان عملی به کار می‌رود که قرار است مقدم بر عملی دیگر به وقوع بپیوندد (ر.ک؛ کمالی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). موارد کاربرد وجه التزامی در فارسی و فرانسه تقریباً یکسان است. معادل *soit consommé*، در زمان گذشته التزامی، در جمله اول به صورت فعل مصدری «کامل شدن» ترجمه شده‌است و در دو جمله دیگر، مترجمان از وجه التزامی استفاده کرده‌اند. معادل *me sente* در زمان حال التزامی، در سه ترجمه به صورت التزامی

ترجمه شده‌است. فعل امری ait نیز در هر سه ترجمه به صورت امری ترجمه شده‌است. در این وجه، عمل فعل به صورت دستور یا امر، درخواست، توصیه یا خواهش می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی مقابله‌ای زمان فعل در دستور زبان فارسی و فرانسه پرداختیم و موارد تشابه و اختلاف آن‌ها را بررسی کردیم. سپس زمان افعال در سه ترجمه انتخابی از رمان بیگانه را تحلیل نمودیم. با مقایسه دستور زبان فارسی و فرانسه، زمان‌های وجوه مختلف را بررسی کردیم و مشاهده شد که در وجه اخباری، زبان فرانسه دو زمان Passé antérieur (گذشته مقدم) و Futur antérieur (آینده مقدم) می‌باشد که معادل دستوری آن در زبان فارسی وجود ندارد و با زمان‌های گذشته ساده و گذشته بعید جایگزین می‌شوند. زبان فارسی نیز دو زمان گذشته استمراری و گذشته بعید دارد که در زبان فرانسه با گذشته استمراری و گذشته بعید معادل گرفته می‌شود. از دیگر تفاوت‌های این دو زبان، وجود وجه شرطی در زبان فرانسه می‌باشد. در زبان فارسی برای ترجمه این وجه از کلماتی که احتمال را برساند، استفاده می‌کنیم. وجه مصدری در دو زبان فارسی و فرانسه وجود دارد، ولی کاربرد و نحوه آن کاملاً متفاوت است. در ادامه پژوهش، به مقابله رمان بیگانه و سه ترجمه آن پرداختیم و ترجمه‌ها را از لحاظ زمان افعال بررسی، و ترجمه مترجمان گوناگون را در زمان‌های مختلف مقایسه کردیم.

تسلط مترجم به زبان متن مبدأ و نیز زبان مقصد، در ترجمه، به‌ویژه ترجمه زمان افعال نقش مهمی در انتقال مفهوم متن و درک آن از سوی خواننده ایفا می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، فعل در زبان فرانسه برحسب وجه، زمان، حالت و غیره تغییر می‌یابد. بنابراین، ترجمه صحیح آن به زبان فارسی آگاهی مترجم را از دستور زبان مقابله‌ای دو زبان ضروری می‌سازد.

۷. منابع و مأخذ

فتاح، سهیلا و وجیهه هواکشیان. (۱۳۸۴). *بررسی مقایسه‌ای وجه و زمان فعل در زبان‌های فارسی و فرانسه*. تهران: انتشارات سمت.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۳). *فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).

کامو، آلبر. (۱۳۹۵). *بیگانه*. ترجمه خشایار دیهیمی. چ ۱۴. تهران: نشر ماهی.

_____. (۱۳۹۵). *بیگانه*. ترجمه لیلی گلستان. چ ۲۱. تهران: نشر مرکز.

_____. (۱۳۹۵). *بیگانه*. ترجمه مهران زنده‌بودی. مشهد: انتشارات محقق.

کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۳). *دستور زبان فرانسه فعل*. تهران: انتشارات سمت.

_____. (۱۳۷۱). «تحریر در ترجمه ادبی». *فصلنامه مترجم*. س ۲. ش ۷. صص

۹۴-۸۱

_____. (۱۳۷۶). «مقابله دو ترجمه از خدایان تشنه‌اند». *فصلنامه مترجم*. س ۶. ش

۲۵. صص ۶۷-۷۴.

هاشمی، بهزاد. (۱۳۸۸). «مقایسه زمان فعل در زبان‌های فارسی و فرانسه». *مجله رشد آموزش*

زبان خارجی. د ۲۴. ش ۱.

Camus, Albert. (1950). *L'Étranger*. Paris: Les Éditions Gallimard.

Grevisse, Maurice. (2011). *Le Bon Usage*. 15^e Edition refondue par André Goosse. Paris: Duculot.

Keshavarz, Mohammad Hussein. (1994). *Contrastive Analysis and Error Analysis*. Tehran: Rahnama.

Willems, Dominique & etc. (2003). *Contrastive Analysis in Language, Identifying Linguistic Units of Comparison*. Palgrave: Mcmillan.

Ziyā' Ḥusaynī, Muhammad. (1994). *A contrastive Analysis of Persian and English and Error Analysis*. Tehran: Vira.